

خبر
شاخص‌ها سبز پوش شدند بورس در مسیر صعود  شاخص بورس تهران در اولین روز زمستان ۱۴۰۴، مسیر صعودی خود را حفظ کرد و ارزش معاملات افزایش یافت. به گزارش خبرنگاران، بورس اوراق بهادار تهران در جریان معاملات روز دوشنبه اول دی‌ماه، تا ساعت ۹:۵۲ با روندی مثبت و پرنحرک دنبال شد و شاخص‌های اصلی بازار در مدار صعود قرار گرفتند. فضای کلی معاملات حکایت از افزایش تقاضا در نمادهای بزرگ و بهبود نسبی دادوستدها در کلیت بازار دارد. شاخص کل بورس تهران در این ساعت با رشد ۴۲ هزار و ۲۶۶ واحدی معادل ۱.۰۹ درصد افزایش یافت و در سطح ۳ میلیون و ۹۴۰ هزار واحد ایستاد. هم‌زمان، شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۱۴ هزار و ۱۸۰ واحدی و رشد ۱.۲۱ درصدی به عدد یک میلیون و ۹۵ هزار واحد رسید؛ موضوعی که از همراهی نسبی نمادهای کوچک‌تر با جریان صعودی بازار حکایت دارد. ارزش کل بازار سهام به بیش از ۱۱۷ هزار هزار میلیارد تومان رسید و ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌ها تا این لحظه حدود ۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان ثبت شد. حجم معاملات نیز از مرز ۱۰.۴ میلیارد برگه سهم عبور کرد که حاکی از تحرک مناسب نقدینگی در معاملات صبحگاهی است. در بخش جریان پول، اگرچه در مجموع بازار خروج نقدینگی حدود ۶۹۳ میلیارد تومان را تجربه کرد، اما در گروه سهام و حق تقدم ورود پول حقیقی بیش از ۲۱۰ میلیارد تومان به ثبت رسید. سرانه خرید حقیقی‌ها در این بخش حدود ۴۸.۵ میلیون تومان و سرانه فروش ۲۷.۴ میلیون تومان بود که قدرت خرید بالاتر خریداران را تأیید می‌کند. فراپورس ایران نیز هسوس با بورس تهران حرکت کرد و شاخص کل آن با رشد ۴۲۰ واحدی به سطح ۲۳ هزار و ۲۲ واحد رسید. ارزش معاملات فراپورس در بازارهای اول، دوم و پایه مجموعاً بیش از ۲۹ هزار میلیارد تومان برآورد شد. در مجموع، معاملات امروز بورس تهران با برتری تقاضا، رشد هم‌زمان شاخص‌ها و تحرک مناسب معاملات آغاز شده و فعالان بازار با دقت تحولات ادامه روز و رفتار نقدینگی را رصد می‌کنند.

حداقل حقوق، فقط یک عدد در قانون نیست. آینه‌ای است که میزان بلوغ سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی یک کشور را منعکس می‌کند. بحث حداقل حقوق و دستمزد، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در اقتصاد بازار کار است. از یک‌سو دولت‌ها حداقل حقوق را ابزاری برای حمایت از معیشت نیروی کار، کاهش فقر شاغلان و برقراری عدالت اجتماعی می‌دانند و از سوی دیگر، بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی آن را عاملی برای افزایش هزینه تولید، کاهش اشتغال و تضعیف رقابت‌پذیری معرفی می‌کنند.

به گزارش اقتصادآنلاین، این تعارض باعث‌شده است که تعیین حداقل حقوق، همواره به صحنه‌ای برای جدال میان دولت، کارگران و کارفرمایان تبدیل شود. در اقتصاد ایران، اهمیت این موضوع دوچندان است. تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، نااطمینانی‌های اقتصادی و رکود در بخش تولید باعث شده‌اند که حداقل حقوق، نه‌تنها یک متغیر اقتصادی، بلکه یک مسئله اجتماعی و حتی سیاسی تلقی شود. هر سال با نزدیک شدن به زمان تعیین دستمزد، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا حداقل حقوق باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد یا با توان بنگاه‌ها و شرایط بازار کار تنظیم شود؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست و نیازمند نگاهی جامع به سازوکار بازار کار است.

حداقل حقوق در تقابل دولت و بازار کار

حداقل حقوق در تئوری اقتصادی، نوعی قیمت‌گذاری کف در بازار نیروی کار محسوب می‌شود. دولت با تعیین این کف قیمتی، مانع از آن می‌شود که دستمزد نیروی کار به سطحی پایین‌تر از حد معیشت سقوط کند. اما همان‌طور که در سایر بازارها نیز دیده می‌شود، هرگونه مداخله قیمتی می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. طرفداران افزایش حداقل حقوق استدلال می‌کنند که در شرایطی که قدرت چانه‌زنی کارگران پایین است، بازار آزاد به‌تنهایی قادر به تعیین دستمزد عادلانه نیست. به‌ویژه در اقتصادهایی با نرخ بالای بیکاری یا تورم بالا، عدم مداخله دولت می‌تواند به گسترش فقر شاغلان منجر شود. یعنی افرادی که با وجود داشتن شغل، توان تأمین حداقل نیازهای زندگی را ندارند. از این منظر، حداقل حقوق نه‌تنها یک سیاست اقتصادی، بلکه ابزاری برای حفظ انسجام اجتماعی است. در مقابل، منتقدان معتقدند که تعیین حداقل حقوق بدون توجه به بهره‌وری نیروی کار و شرایط بنگاه‌ها، می‌تواند آثار منفی بر اشتغال داشته باشد. بنگاه‌های کوچک و متوسط که حاشیه سود محدودی دارند، در مواجهه با افزایش دستمزد ممکن است ناچار به کاهش نیروی کار، افزایش قیمت محصولات یا حتی خروج از بازار شوند.

نتیجه چنین فرآیندی می‌تواند افزایش بیکاری، گسترش اشتغال غیررسمی و کاهش سرمایه‌گذاری باشد. در ایران، این تضاد به‌طور خاص در شورای‌عالی کار نمود پیدا می‌کند، جایی که نمایندگان دولت،

کارگران و کارفرمایان هر سال بر سر درصد افزایش دستمزد چانه‌زنی می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که افزایش حداقل حقوق در بسیاری از مواقع از نرخ تورم عقب می‌ماند و همین امر باعث کاهش مستمر قدرت خرید نیروی کار شده است. از سوی دیگر، بسیاری از کارفرمایان نیز اعلام می‌کنند که حتی همین افزایش‌ها نیز با توان مالی آنها همخوانی ندارد. نکته مهم آن است که بازار کار ایران، آنزای همگنی نیست. شرایط یک بنگاه تولیدی کوچک در یک شهر محروم، با یک شرکت بزرگ در کلان‌شهرها تفاوت اساسی دارد. اعمال یک حداقل حقوق واحد برای همه این بنگاه‌ها، می‌تواند ناکارآمد باشد. به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که مسئله اصلی نه وجود یا عدم وجود حداقل حقوق، بلکه نحوه طراحی و اجرای آن است.

چگونه می‌توان هم از نیروی کار حمایت کرد و هم به بنگاه‌ها آسیب نزد؟

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که می‌توان میان حمایت از نیروی کار و پویایی بازار کار، تعادل ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین راهکارها، پیوند دادن افزایش حداقل حقوق با بهره‌وری نیروی کار است. در کشورهایی مانند آلمان، مذاکرات دستمزدی اغلب به گزارش افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت تولید، سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه نیروی کار، یا سایر شاخص‌های مرتبط با بهره‌وری منتهی می‌شود. این رویکرد باعث می‌شود که افزایش حقوق، صرفاً یک هزینه برای کارفرمایان نباشد، بلکه به یک محرک برای بهبود بهره‌وری و افزایش رقابت‌پذیری تبدیل شود. در چنین شرایطی، دولت می‌تواند به عنوان یک تسهیل‌گر عمل کند و چارچوبی را فراهم کند که در آن افزایش حقوق با افزایش بهره‌وری همراه شود.

از ناترازی انرژی تا ناترازی بهره‌وری

استوار است. جابه‌جایی ساعات کار به ابتدای روز، هرچند ممکن است به صرفه‌جویی مقطعی در مصرف انرژی در ساعات پایانی روز بینجامد، اما انسجام اقتصادی کاری را در طول هفته مختل می‌کند. زمانی که ساعات کاری از الگوی استاندارد فاصله می‌گیرد، هماهنگی میان بخش‌های دولتی و خصوصی و حتی ارتباط با بازارهای جهانی ـ که عموماً از الگوهای زمانی مشخصی تبعیت می‌کنند ـ دچار اختلال می‌شود.

نتیجه این وضعیت، کاهش فرصت‌های همکاری، کند شدن چرخه تصمیم‌گیری و تأخیر در اجرای پروژه‌های اقتصادی است، امری که آشکارا با نیاز کشور به جهش در رشد اقتصادی در تعارض قرار دارد.

سردرگمی مراجعان و افزایش هزینه‌های معاملاتی

نهادهایی مانند بانک‌ها، سازمان‌های بیمه و ادارات ثبت که به‌طور مستقیم با عموم مردم و فعالان اقتصادی در تعامل هستند، در صورت تغییر ساعات کاری با چالش‌های جدی در مدیریت مراجعات مردمی مواجه خواهند شد. شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی ناگزیرند برنامه روزانه خود را برای انجام امور اداری بازتنظیم کنند. این ناهماهنگی زمانی میان ساعات ارائه خدمات دولتی و ساعات فعالیت واحدهای اقتصادی خصوصی، به افزایش هزینه‌های معاملاتی منجر می‌شود؛ چراکه زمان بیشتری صرف انتظار، رفت‌وآمدهای مجدد و هماهنگی‌های غیرضروری خواهد شد. این هزینه‌های مضاعف که به‌طور مستقیم بر اقتصاد تحمیل می‌شوند، در عمل می‌توانند هدف اولیه سیاست‌گذار در صرفه‌جویی انرژی را تحت‌الشعاع قرار دهند.

تغییر ساعات کاری ادارات و اختلال در زنجیره خدمات و ناراضیاتی عمومی

تغییر ساعات کاری ادارات، اقدامی جزیره‌ای نیست و ضرورت دارد در هماهنگی کامل با سایر ارکان خدمات‌رسانی، از جمله نظام حمل‌ونقل عمومی و بخش‌های خدماتی، اجرا شود. جابه‌جایی ناگهانی ساعات آغاز و پایان کار می‌تواند به شکل‌گیری تراکم

چرا کارگر و کارفرما از حداقل حقوق رضایت ندارند؟

چالش تعیین حداقل حقوق در اقتصاد تورمی

با نزدیک شدن به زمان تعیین حداقل دستمزدها، دوباره بحث‌ها میان فعالین اقتصادی و سیاست‌گذاران در مورد سیاست حداقل دستمزد بالا می‌گیرد. سیاستی که اگرچه نسخه‌های موفق آن در دنیا در حال اجراست، با این حال نحوه اجرای آن در ایران از سویی نارضایتی کسب و کارها را به دنبال داشته است، و از سوی دیگر نتوانسته قدرت خرید مردم را حفظ و رضایت آنها را کسب کند. این در حالی است که راه حمایت از نیروی کار تمرکز دولت بر رقابت نرخ دستمزد با تورم نیست، بلکه حل کردن مشکل تورم و افزایش تولید ملی، کلید اصلی خروج از چرخه تورم و دستمزد است.



در سطح صنایع و بر اساس شرایط خاص هر بخش انجام می‌شود. این رویکرد باعث می‌شود که دستمزدها متناسب با توان واقعی بنگاه‌ها و سطح بهره‌وری تعیین شوند. راهکار دوم، استفاده از سیاست‌های مکمل به‌جای اتکای صرف به افزایش حداقل حقوق است. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اسکاندیناوی، دولت از طریق کاهش مالیات بر درآمد نیروی کار کمردرآمد، پرداخت یارانه دستمزد به کارفرمایان یا تقویت نظام تأمین اجتماعی، از معیشت کارگران حمایت می‌کند. در این مدل، فشار کمتری به بنگاه‌ها وارد می‌شود و در عین حال، سطح رفاه نیروی کار افزایش می‌یابد. نمونه موفق دیگر که ایران نیز بسیار به آن نیاز دارد، نظام حداقل حقوق منطقه‌ای است. در کشورهایی مانند چین، حداقل دستمزد بر اساس سطح توسعه اقتصادی هر منطقه تعیین می‌شود. این سیاست به دولت اجازه می‌دهد که تفاوت‌های هزینه زندگی و توان تولیدی مناطق مختلف را در نظر بگیرد. اجرای چنین مدلی در ایران نیز می‌تواند از فشار بیش‌ازحد بر بنگاه‌های مناطق کم‌برخوردار بکاهد. همچنین، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت، کارگران و کارفرمایان



نیاید از نقش

کنترل تورم

غافل شد.

در اقتصادی

با تورم بالا،

هر گونه افزایش

اسمی حداقل

حقوق، در مدت

کوتاهی اثر

خود را از دست

می‌دهد

نقش کلیدی دارد. در کشورهایی که تشکلهای کارگری و کارفرمایی قدرتمند هستند، تصمیم‌گیری درباره دستمزدها شفافتر و مبتنی بر داده‌های واقعی انجام می‌شود. این امر از سیاسی شدن موضوع حداقل حقوق جلوگیری می‌کند و به افزایش اعتماد میان طرفین می‌انجامد. در نهایت، نباید از نقش کنترل تورم غافل شد. در اقتصادی با تورم بالا، هرگونه افزایش اسمی حداقل حقوق، در مدت کوتاهی اثر خود را از دست می‌دهد. همان‌طور که از نمودار زیر پیداست، تورم بالاتر بوده، باز هم اخبار و شواهد نشان می‌دهد یکدیگرند. در سال‌هایی که این نرخ افزایش دستمزد از تورم بالاتر بوده، باز هم اخبار و شواهد نشان می‌دهد نتوانسته قدرت خرید را حفظ کرده و رضایت مردم را به دست آورد. از سوی دیگر، در شرایطی که به پایین‌تر از نرخ تورم بوده، فشار مضاعفی به سرفه مردم وارد کرده است. بنابراین، پایدارترین راه حمایت از قدرت خرید نیروی کار، تمرکز بر تغییر نرخ دستمزدها نیست، بلکه عاملی اضافه کرد: ثبت سفارش‌ها انجام شده است به بانک مرکزی نسبت به تخصیص ارز برای واردات اعلام کرده‌ایم با وجود پیگیری‌های صورت گرفته تاکنون موفق نشدیم از این منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۱۴۰۴ در اختیار واردکنندگان خودرو قرار

دهیم. معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صنعت، معدن و تجارت بیان داشت: منابع ارزی در اختیار واردکنندگان قرار نگرفته است و نتوانسته‌اند، اقدام کنند. وی با بیان اینکه حدود ۳۷ هزار ۹۰۰ دستگاه خودرو از ابتدای اسسال تا کنون وارد شده است گفت: این تعداد خودرو از محل ارز سال گذشته با از طریق ارز با منشا خارجی است. عاملی ادامه داد: وزارت صمت دغدغه واردات خودرو را در راستای تنظیم بازار خودرو و ایجاد رقابت بر اساس اجرای قانون بودجه دارد تا مشکلات واردکنندگان خودرو تخصیص ارز نیست و تنها پیگیر منابع ارزی است.

کارشناس مدیریت منابع انسانی تأکید کرد: این اقدام با الگوی بهره‌وری که کشور برای خروج از رکود نیاز دارد، همسو نیست. ما نیازمند یک چارچوب قانونی دائمی برای ساماندهی کار هستیم مثلاً تعطیلی پنجشنبه‌ها با حفظ حجم کار هفتگی، تا پیش‌بینی‌پذیری برای بخش خصوصی ایجاد شود، نه این تصمیمات فصلی و موقتی که همه را سردرگم می‌کند. این راحل اضطرابی خودش تبدیل به یک عامل عدم ثبات شده است. کبریی اظهار کرد: اگر اداراهی که قبلاً تا ۱۲ عصر پاسخگو بود، حالا ساعت ۹ صبح منتقل و ترافیک و تقاضا برای خدمات به ساعات قبل از ۹ صبح منتقل می‌شود. این یعنی فشار حداکثری بر سیستم‌های حمل‌ونقل در آن بازه کوتاه. رباری کارمندان هم، اگر رفت و آمد طولانی باشد، عملاً انرژی‌شان در همان ساعات اندک کار مفید از بین می‌رود. به نظر من، صرفه‌جویی ناچیز در انرژی، در مقابل این همه اصطکاک مدیریتی و رضایت‌سنجی عمومی، توجیه اقتصادی ندارد.

به گفته کارشناس مدیریت منابع انسانی؛ هرچند هدف مدیریت مصرف انرژی ستودنی است، اما این شیوه اجرای آن، بدون در نظر گرفتن ساختار خدمات، هماهنگی بین‌بخشی و نیازمندی‌های رشد اقتصادی، یک راهکار سطحی است. اقتصاد به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد؛ این تغییرات مکرر، درست مثل یک ترمز دستی است که ناگهان در یک سراسیمگی کشیده می‌شود.

بی‌سابقه در ساعات اولیه صبح بینجامد؛ وضعیتی که فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی وارد می‌کند. از سوی دیگر، ساعات پایانی فعالیت‌ها مرکز خدماتی، به‌ویژه دفاتر خدماتی غیردولتی که برنامه کاری خود را بر اساس ساعات اداری تنظیم کرده‌اند، با اختلال مواجه می‌شود. این فقدان یکپارچگی، نارضایتی گسترده شهروندان را در پی دارد و حس بی‌ثباتی در اجرای سیاست‌ها را کم‌برخوردار بکاهد. همچنین، تقویت مانعی جدی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی مولد بدل شود.

دور شدن از استانداردهای جهانی و ریسک‌های بلندمدت

هرگونه تغییر مکرر در ساختار مدیریتی و ساعات کاری، به‌ویژه در غیاب یک چارچوب قانونی مستحکم، مانند تعیین تعطیلی ثابت پنجشنبه‌ها که در مجلس نیز دنبال می‌شد، این پیام را به جامعه منتقل می‌کند که مدیریت کشور بیش از آنکه مبتنی بر یک الگوی بهره‌وری ملی بلندمدت باشد، بر راحل‌های کوتاهمدت و واکنشی تکیه دارد. چنین رویکردی اعتماد به ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان را کاهش می‌دهد و در نگاه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، ریسک فعالیت در محیط اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد. در نهایت، اگرچه هدف کوتاهمدت این سیاست، صرفه‌جویی در مصرف انرژی است، اما هزینه‌های ناشی از افت بهره‌وری، افزایش اصطکاک‌های اداری و تضعیف انسجام سازمانی، می‌تواند در بلندمدت تأثیری عمیق‌تر و ماندگارتر بر پویایی و رشد اقتصاد کشور بر جای بگذارد.

پیامدهای ساختاری تغییر ساعات کاری ادارات

در این زمینه محمد کربمی، کارشناس مدیریت منابع انسانی به گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ چنین تشریح کرد: در نگاه اول، تصمیم به کاهش ساعات کار ادارات تا ساعت دو بعدازظهر در زمستان، تلاشی برای مدیریت ناترازی انرژی است؛ هدفی که قابل درک است. اما من نگران پیامدهای ساختاری آن هستم. کاهش ساعات حضور فیزیکی به معنای کاهش پتانسیل رشد است. مگر اینکه دولت ثابت کند که این ساعات باقی‌مانده را می‌توان با افزایش

بازنگشتن ارز صادراتی؛ تقصیر صادرکننده یا سیاست ارزی؟

داشته باشند. بنابراین ۵۰ درصد مقصر خود دولت است.

به گفته نایب رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران چالش بازنگشتن ارز بیش از سوء استفاده صادرکنندگان، محصول اختلاف قابل‌توجه میان نرخ ارز آزاد و نرخ‌های تکلیفی دولت است. صادرکننده کالایی را با ارز خریداری می‌کند اما باید ارز حاصل از صادرات را با نرخ پایین‌تر بازگرداند و این به معنی زیان قطعی و بی‌انگیزگی برای بازگشت ارز است.

به گفته او محدودیت‌های متعدد سامانه‌ای نیز مانع رفع تعهد ارزی شده است. پورچم به نمونه کالاهای کشاورزی اشاره کرد که با سود اندک صادر می‌شوند اما به دلیل ایرادات سامانه‌ای وزارت جهاد و طولانی‌شدن فرآیند تأیید، برخی کارت‌ها منقضی و غیرقابل تمدید شده‌اند؛ در نتیجه صادرکننده قادر به رفع تعهد نیست. او پیشنهاد داد دولت به‌صورت موقت برای کارت‌های تعلیق‌شده با استعاض از اتاق بازرگانی فرصت کوتاه بازگشایی بدهد تا رفع تعهد صورت گیرد. همچنین برخی ردیف‌های کالایی شامل محصولات کشاورزی که سود کمی دارند و نقش مهمی در تسخیر بازارهای منطقه‌ای دارند، می‌توانند از الزام بازگشت ارز معاف شوند.

پورچم ضمن انتقاد از اجبار صادرکنندگان برای عرضه ارز به افراد با واردکنندگان مشخص، گفت: صادرکننده باید بتواند ارز خود را به واردکننده‌ای که می‌خواهد منتقل کند. اما دولت در این فرایند محدودیت‌های غیرمنطقی اعمال کرده است. وی سیاست‌گذاری‌های کلان ارزی را عامل اصلی نابسامانی تجارت دانست و گفت شاخص عملکرد لجستیک ایران بر اساس ارزیابی بانک جهانی طی سال‌های اخیر ۵۹ به سقوط کرده است؛ رتبه ایران از ۶۵ به حدود ۱۲۰ رسیده و این سقوط بیانگر مشکلات جدی در تجارت خارجی بوده است.

بازاروسرمایه

خبر
معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت: منابع ارزی واردات خودرو تاکنون تخصیص نیافته است  معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صنعت، معدن و تجارت در پاسخ به صحبت‌های دبیر دوم کمیسیون صنایع مجلس (پور دهقان)گفت: در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مقرر شد تا ۲ میلیارد دلار از محل منابع ارزی توسط بانک مرکزی برای واردات خودرو اختصاص پیدا کند که تا کنون منابعی تخصیص پیدا نکرده است. به گزارش برنا، سید حامد عاملی در پاسخ به تخصیص ۲ میلیارد دلار برای واردات خودرو از سوی بانک مرکزی اظهار داشت: اکنون موضوع واردات خودرو به یک مطالبه جدی تبدیل شده است و در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مقرر شد تا ۲ میلیارد دلار از محل منابع ارزی توسط بانک مرکزی برای واردات خودرو به صورت فصلی اختصاص یافته و آیین نامه اجرایی آن تدوین شود. معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صنعت، معدن و تجارت عنوان کرد: آیین نامه اجرایی با پیگیری‌های وزارت صمت و هماهنگی دیگر دستگاه‌ها، تصویب شد که در فرایند بررسی نیز دیوان عدالت و در ادامه هیات تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی اشکالاتی را به میزان تفرقه‌هایی که در این آیین نامه پیش‌بینی شده بود، اعلام کردند که نهایتاً این آیین نامه توسط دولت اصلاح و به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید. وی با بیان اینکه نقش وزارت صمت، تنظیم آیین‌نامه برای رقابت و تنوع در واردات خودرو، هماهنگی زیرساخت‌ها و سامانه‌ها بود گفت: عنصر اصلی واردات خودرو در کشور، تامین منابع ارزی مطابق آنچه مجلس اعلام کرده است، می‌باشد. عاملی اضافه کرد: ثبت سفارش‌ها انجام شده است به بانک مرکزی نسبت به تخصیص ارز برای واردات اعلام کرده‌ایم با وجود پیگیری‌های صورت گرفته تاکنون موفق نشدیم از این منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۱۴۰۴ در اختیار واردکنندگان خودرو قرار